

حقوق اقتصادی

عباس قاسمی حامد*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۱

چکیده

حقوق اقتصادی، بر مبنای نیازهای جدید و با توجه به کاربرد قواعد حقوقی شکل گرفته است. این رشته حقوقی از مجموعه قواعد و عرف‌های حقوقی، ساختارها، تشریفات، نهادها و روش‌هایی تشکیل یافته که پاسخگوی افزایش قابل ملاحظه نفوذ سیستم اقتصادی در جوامع امروزی است. حقوق اقتصادی، با به‌کارگیری اصول و قواعد حقوقی، زمینه قانونمند شدن موضوعات مهم اقتصادی نظیر قیمت کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری خارجی، ارز، دستمزد، صادرات و واردات، بانک، بیمه، اوراق بهادار، اعتبار، مالیات‌ها، رقابت، تولید، توزیع، مصرف و بسیاری از عناوین دیگر اقتصادی را فراهم می‌سازد. در این رشته، با دسته‌بندی قواعد حقوقی موجود و بر مبنای کاربرد آنها و همچنین با ایجاد قواعد حقوقی جدید، سعی بر ایجاد نظم، عدالت و تعادل در روابط بین اشخاص حقیقی و حقوقی در عرصه اجتماع می‌شود. با این نگاه، حقوق اقتصادی، قواعدی حقوقی با ماهیت عمومی، خصوصی و حتی کیفری را در اجتماع (اعم از ملی و بین‌المللی) و حوزه‌های اقتصاد خرد و کلان وضع می‌نماید.

حقوق اقتصادی، در بسیاری از موارد آمرانه و مداخله‌جو است. این رشته حقوقی، با تمایل به وضع قواعد آمرانه، با نظم عمومی ارتباطی نزدیک داشته و قواعد آن در بسیاری از موارد دارای اوصاف قواعد حوزه حقوق عمومی است. حقوق اقتصادی، تنظیم‌کننده تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات است. حقوق اقتصادی، به کمک دولت (حاکمیت) و به همراه ابتکارات بخش خصوصی با سازمان بخشیدن به جامعه، اداره‌کننده زندگی اقتصادی و به خصوص تولید و گردش ثروت است.

* استاد دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

ایجاد تعادل در حوزه‌های تولید، توزیع، مبادلات و مصرف، نقطه اشتراک قابل توجه حقوق و اقتصاد است. نظام حقوقی به کمک حقوق اقتصادی پدیده‌های جدید اقتصادی را درک کرده و ضمن نظم بخشیدن به روابط در این زمینه، سعی بر ایجاد تعادل در روابط اقتصادی دارد. با این نگاه، حقوق اقتصادی، عامل ایجاد نظم و تعادل در امور حقوقی و سیاست اقتصادی خواهد بود.

کلید واژگان

حقوق اقتصادی، اقتصاد حقوق، تحلیل اقتصادی حقوق، حقوق و اقتصاد، تعادل.

مقدمه

حقوق و اقتصاد، دو شاخه مستقل و مهم علوم اجتماعی هستند. این دو دانش بشری، علی‌رغم برخورداری از استقلال، برای دستیابی به اهداف مشترک خود، همواره به یکدیگر نیازمند و مرتبط بوده‌اند. در دنیای اقتصادی امروز، ضرورت وجود این ارتباط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیده است. هدف قواعد حقوقی برقراری نظم، اجرای عدالت^۱ و ایجاد تعادل نسبی در روابط حقوقی اشخاص است. نظم عمومی از طریق سازمان بخشیدن به اجتماع ممکن می‌گردد. برای دستیابی به این هدف، دانش حقوق در صدد جمع بین ضرورت‌های فردی و اجتماعی انسان است.^۲ برقراری نظم، اجرای عدالت در اجتماع و ایجاد تعادل نسبی در روابط قراردادی و غیر قراردادی، تجلی این نگاه است.^۳

علم اقتصاد^۴، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که چگونگی تخصیص بهینه منابع کمیاب بین نیازهای نامحدود را بررسی می‌کند.^۵ این علم با بررسی روابط افراد در جامعه و قوانین و مقررات حاکم بر آن^۶، به تحلیل تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات و بررسی چگونگی رفتار و تعامل عوامل اقتصادی می‌پردازد و از این طریق سعی بر بهبود شرایط زندگی انسان‌ها دارد. ایجاد تعادل در تولید، توزیع، مبادلات و مصرف، زمینه ساز دستیابی به اهداف اخیر است.

۱. «عدالت» مفهومی نسبی است. بسیار اتفاق می‌افتد که قاعده‌ای به نظر عده‌ای عادلانه و به نظر گروه دیگر ظالمانه است. علمای حقوق نتوانسته‌اند مفهوم مشخصی از عدالت ارائه دهند. تمام تعاریف «عدالت» چیزی جز یک مفهوم شکل گرفته بر مبنای نظری و مشرب خاص نیست. مبانی اعتقادی و مذهبی نیز در تحقق مفهوم عدالت نقش بسزایی دارند. به نظر عده‌ای، «عدالت» رعایت تعادل قانونی بین منافع موجود است. نگاه کنید به: کاتوزیان، دکتر ناصر؛ **مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران**، انتشارات اقبال، چاپ پنجم، ۱۳۶۲، ص ۳۵ و جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر؛ **مقدمه عمومی علم حقوق**، کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۷۱، ص ۸۴.

۲. نگاه کنید به: کاتوزیان، دکتر ناصر؛ **همان**، ص ص ۴، ۵ و ۱۸.

۳. نگاه کنید به: کاتوزیان، دکتر ناصر؛ **همان**، ش ۲۰، ص ۱۸.

4. Economics.

۵. خداداد کاشی، **فرهاد: اقتصاد خرد، انتشارات طلایی پویندگان دانشگاه، دانشگاه پیام نور**، ۱۳۸۵، ص

۴.

۶. تاجداری، دکتر علی؛ **اقتصاد و مالیه عمومی**، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۳.

نقطه اشتراک در خور توجه حقوق و اقتصاد، اهتمام این دو دانش بشری به برقراری تعادل نسبی در تولید، توزیع، مبادلات و مصرف است.

۱. حقوق و اقتصاد

نظم حقوقی، گاه توسط قواعد آمره‌ای برقرار می‌گردد که «اقتصاد» ملزم به تبعیت از آنها است. «حقوق» نیز ممکن است ملزم به رعایت واقعیت‌هایی شود که «اقتصاد» یکی از جنبه‌های آن است.

۱.۱. حقوق

روابط بین افراد در عرصه اجتماع بر قواعد مورد پذیرش جامعه استوار است. مجموعه قواعد حقوقی یاد شده، تشکیل دهنده «حقوق نوعی»^۱ است. حقوق در معنای نوعی خود «از روابط انسان اجتماعی بحث می‌کند»^۲. در این معنی، حقوق «مجموع مقرراتی است که بر اشخاص، از این جهت که در اجتماع هستند حکومت می‌کند»^۳. به عبارت دیگر، «حقوق نوعی» مجموعه مقررات حاکم بر اشخاص در یک جامعه سیاسی معین است. حقوق در معنای نوعی همیشه به صورت جمع به کار می‌رود. در مقابل این معنی، اصطلاح «حقوق شخصی»^۴ وجود دارد. حقوق در معنای اخیر، جمع «حق» است و به مفرد آن «حق فردی» نیز گفته می‌شود. «حقوق شخصی»، مانند: حق مالکیت، حق زوجیت، حق رأی دادن و ... اقتدار و سلطه‌ای است که در «حقوق نوعی» برای اشخاص و یا اجتماعات شناخته شده است. با توجه به مطالب پیش گفته، روابط بین افراد در اجتماع بر مقررات و قواعدی استوار است که مجموعه آنها تشکیل دهنده «حقوق نوعی» است.

1. Droit objectif.

۲. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر؛ همان، ص ۸۳. همچنین نگاه کنید به: ص ص ۱۲ و ۸۲؛ نگاه کنید به: دکتر کاتوزیان؛ همان، ش ۱، ص ۱.

۳. دکتر کاتوزیان؛ همان، ۱۳۶۲، ش ۱، ص ۱.

4. Droit subjectif.

۱.۲. اقتصاد

علم اقتصاد^۱، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که چگونگی تخصیص بهینه منابع کمیاب بین نیازهای نامحدود را بررسی می‌کند. با کمک این علم می‌توان «از منابع کمیاب و محدود برای نیازهای رقیب (و نامحدود) حداکثر استفاده را به عمل آورد. به همین خاطر گفته شده که اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع و علم انتخاب است»^۲. تولید، توزیع، مبادله و مصرف در واقع محورهای اصلی موضوع علم اقتصاد و عمده ترین موضوعات آن هستند^۳. این علم با بررسی روابط افراد در جامعه و قوانین و مقررات حاکم بر آن^۴، به تحلیل تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات و بررسی چگونگی رفتار و تعامل عوامل اقتصادی می‌پردازد.

اقتصاد خرد (میکرو)^۵ و اقتصاد کلان (ماکرو)^۶، «دو شاخه اصلی علم اقتصاد هستند که تفکیک و تحلیل قلمرو آنها بعد از «کینز» از نیمه دوم قرن بیستم رواج عام^۷ پیدا نمود.

۱.۲.۱. اقتصاد خرد

اقتصاد خرد^۸، کردار و فعالیت‌های انفرادی افراد یا گروه‌های مشخص افراد (مانند: خانواده، بنگاه^۹، شرکت، خریداران و فروشندگان) را بررسی می‌نماید. این شاخه از علم اقتصاد به مطالعه

1. Economics.

۲. دادگر، دکتر یداله و رحمانی، دکتر تیمور؛ **مبانی و اصول علم اقتصاد، کلیاتی از اقتصاد برای همه**، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ هفتم، قم، ۱۳۸۶، ص ۳۸ و دادگر، دکتر یداله؛ **اصول تحلیل اقتصادی خرد و کلان**، نشر آماره، تهران ۱۳۹۱، ص ۵۰.

۳. **همان**، و دادگر، دکتر یداله؛ **اصول تحلیل اقتصادی خرد و کلان، همان**، ص ۵۲.

۴. تاجداری، دکتر علی؛ **اقتصاد و مالیه عمومی**، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۳.

5. Microeconomics.

6. Macroeconomics.

۷. قدیری اصل، دکتر باقر؛ **کلیات علم اقتصاد**، مرکز نشر سپهر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۷.

۸. اقتصاد خرد از واژه لاتین (Mikros) به معنای کوچک گرفته شده است. نگاه کنید به: تاجداری، دکتر علی؛ **همان**، ص ۲۰.

۹. بنگاه واحدی اقتصادی است که تولید کننده کالا یا عرضه کننده خدمت باشد. بر اساس بند (۴) ذیل ماده (۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۸۷/۳/۲۵ مجمع تشخیص نظام: «بنگاه: واحد اقتصادی که در تولید کالا یا خدمت فعالیت

رفتاری واحد انفرادی و تجزیه و تحلیل بازار، رفتار مصرف‌کنندگان و خانوارها و بنگاه‌ها می‌پردازد. اقتصاد خرد چگونگی رفتار انسان‌ها و انتخاب‌هایشان را در سطح واحدهای خرد یا کوچک اقتصادی مانند: یک فرد، یک بنگاه، یک صنعت یا بازار یک کالای خاص بررسی می‌کند و به چگونگی تعامل بین خریداران و مصرف‌کنندگان و عوامل مؤثر در انتخاب خریداران می‌پردازد.^۱ بنابراین، در این شاخه، اقتصاد «به اتخاذ تصمیم افراد و گروه‌های کوچک مربوط می‌شود. اینها از قبیل خانوارها، انجمن‌ها (کلوپ‌ها)، بنگاه‌ها و نمایندگی‌های دولتی هستند».^۲ موضوع تحلیل اقتصاد خرد، مطالعه کردار و اعمال کارگزاران اقتصادی به‌طور انفرادی و روابط بین آنها در بازار است.^۳

۱.۲.۲. اقتصاد کلان^۴

اقتصاد کلان به بررسی مسائل اقتصادی در سطح کلان ملی یک کشور می‌پردازد. مسائلی از قبیل: ثبات اقتصادی، توازن تراز بازرگانی خارجی، رشد اقتصادی، اشتغال، تورم، مخارج و درآمدهای دولت، رکود اقتصادی، بحران اقتصادی و بیکاری در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع «اقتصاد کلان» به آن بخش از اقتصاد گفته می‌شود که به مطالعه رفتار کل سیستم اقتصادی که از جمع‌آوری تک‌تک فعالیت‌های واحدهای فردی به دست آمده می‌پردازد.

می‌کند، اعم از آنکه دارای شخصیت حقوقی یا حقیقی باشد». بر اساس «قانون اصلاح قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرا سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۱۱ مجلس شورای اسلامی، عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی» به قانون «اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی» تغییر یافت.

۱. نگاه کنید به: تاجداری، دکتر علی؛ همان، ص ص ۲۰ و ۲۲.
۲. تامس یولن، رابرت کوتر؛ **حقوق و اقتصاد**، ترجمه دکتر بداله دادگر و حامده اخوان هزاوه، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، چاپ اول، ۱۳۸۸، ش ۱، ص ۲۹.
۳. قدیری اصل، دکتر باقر؛ همان، ص ۲۷.
۴. اقتصاد کلان از واژه لاتین ماکروس (Makros) به معنای بزرگ، مشتق شده است. نگاه کنید به: تاجداری، دکتر علی؛ همان، ص ۲۰.

در نتیجه، اقتصاد کلان، مطالعه اقتصاد به طور یکپارچه را مورد عنایت قرار می‌دهد و در حالی که یک تصویر کلی از اوضاع را نشان می‌دهد، به جزئیات فعالیت‌های ملی توجه زیادی ندارد.^۱ بنابراین، می‌توان گفت: اقتصاد کلان به پدیده‌های کلی در سطح جامعه مانند: پس‌انداز ملی، سطح تولید یا اشتغال و ... می‌پردازد.^۲ این شاخه از علم اقتصاد، کلیت اقتصاد و عوامل مؤثر بر آن شامل: بیکاری، تورم، رشد اقتصادی و سیاست پولی و مالی را تحلیل می‌کند. بر خلاف اقتصاد خرد، رفتارهای فردی، شکل‌دهنده اقتصاد کلان نیست، هر چند که از جمع رفتارهای فردی شکل گرفته‌است.^۳ به قول «ریمون بار» استاد فرانسوی^۴، تحلیل‌های «میکرو» و «ماکرو»، دو معیار متفاوت تحلیل‌اند که بدون آنکه معارض هم باشند، مکمل یکدیگرند.^۵

۱.۳. رابطه حقوق و اقتصاد

وضع و پردازش قواعد حقوقی با استفاده از داده‌های اقتصادی از قدیم رواج داشته است. در قانون حمورابی بابلی‌ها (که حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تدوین یافته)، عناوین اقتصادی مانند: بهره و دستمزد وجود دارد. با به‌کارگیری اصول و قواعد حقوقی، زمینه قانونمند شدن موضوعات مهم اقتصادی نظیر: قیمت کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری خارجی، ارز، دستمزد، صادرات و

۱. نگاه کنید به: تاجداری، دکترعلی؛ همان، ص ۲۰ و ۲۲ و شریعتی نجف‌آبادی، احسان؛ اقتصاد کلان، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، <http://www.pajoohe.com>، ۱۳۹۴/۶/۱۴.

۲. قدیری اصل، دکتر باقر؛ همان، ص ۲۷.

۳. جان مینارد کینز (John Maynard Keynes) نمونه بارزی از آثار رفتار واحدی را در عرصه کلان و خرد ارائه داده‌است که به تناقض پس‌انداز مشهور است. بر اساس این نمونه، اگر افراد به صورت انفرادی پس‌انداز کنند در سال‌های بعد دارای امکانات و قدرت مالی بیشتری خواهند بود و خواهند توانست که از سرمایه جمع شده خود استفاده کنند. ولی اگر تمامی افراد جامعه هم‌زمان پس‌انداز خود را افزایش دهند و بخش بیشتری از درآمد خود را پس‌انداز نمایند، مصرف کل اقتصاد پایین می‌آید. این اقدام جمعی موجب کاهش تولید نیز خواهد شد و منتهی به کاهش درآمد افراد در آینده می‌شود. از این رو، اگرچه افزایش پس‌انداز برای اشخاص، می‌تواند مفید باشد ولی برای جامعه به صورت کلی، تأثیرات متفاوتی از تأثیرات فردی آن دارد.

<http://www.economicaaffairs.ir/p=1201>، 9/9/2015

4. Raymond Barre.

۵. قدیری اصل، دکتر باقر؛ همان، ص ۲۷.

واردات، بانک، بیمه، اوراق بهادار، اعتبار، مالیات ها، رقابت، تولید، توزیع، مصرف و بسیاری از عناوین دیگر اقتصادی فراهم می‌گردد.^۱

حقوق با وضع قواعد خود بر روابط اقتصادی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، قواعد حقوق قراردادهای و مسئولیت مدنی که ظاهراً ارتباطی با اقتصاد ندارند، هر یک به شکلی امور اقتصادی را سازماندهی می‌نمایند. قرارداد بیع در مبادلات اقتصادی، قرارداد اجاره در استفاده از اموال، قرارداد قرض در تحصیل اعتبار، قرارداد کار در روابط کارگر و کارفرما و قواعد مسئولیت مدنی در محاسبه زیان وارده از جانب فعالان اقتصادی، نقش مهمی ایفا می‌نمایند.

بر همین اساس، اقتصاددانان برای تبیین یک سیاست اقتصادی سودمند، توجه به نظام حقوقی و قواعد حاکم بر آن را توصیه می‌نمایند. مطالعات آنها نشانگر این واقعیت است که «وجود یک نظام حقوقی کارآمد می‌تواند برای توسعه و پیشرفت اقتصادی بسیار مؤثر باشد»^۲. شناسایی قواعد حاکم بر داد و ستد، پس از آشنایی با قراردادهای بیع، هبه، اجاره و ... میسر خواهد بود. همچنین، شناسایی آثار نوسانات پولی پس از آشنایی با قانون حاکم بر تبدیل ارز ممکن است. حقوق‌دانان نیز به نوبه خود بر این باورند که برای وضع و اجرای قوانین، به ویژه آن‌هایی که با فعالیت‌های اقتصادی ارتباط دارند، توجه به اصول، ضروریات و عوامل اقتصادی لازم است. حقوق‌دانان می‌دانند برای تدوین قواعد حقوقی در یک جامعه زنده و پویا، ضمن ضرورت اجتناب از نگاه تجربیدی، داشتن نگرش ملموس و واقعی لازم است. همچنین آنها می‌دانند، برای وضع قواعد حقوقی، رعایت ملاحظات اقتصادی همانند: ملاحظات تاریخی، جامعه‌شناختی، فلسفی، روان‌شناختی و... از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^۳

۱. برنامه درسی جامع دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۷.

۲. دادگر، دکتر یداله؛ مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۳.

۳. برنامه درسی جامع دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی؛ همان، ص ۸.

برای توضیح ساختار حقوقی زندگی اقتصادی و بهبود آن از طریق وضع قاعده حقوقی مناسب، آشنایی با اصل مطلوبیت اقتصادی^۱ برای حقوق دان ضروری است. برای مثال، او باید از آثار سیاست تحمیل قیمت‌ها، کنترل تبدیل ارز، محاسبه ارزش افزوده و حدود تمرکز بنگاه‌های اقتصادی، به منظور وضع قواعد حقوقی مناسب با سیاست‌های اقتصادی مطلع باشد. ارتباط نزدیک حقوق و اقتصاد موجبات پیدایش دو رشته «حقوق اقتصادی»^۲ و «اقتصاد حقوق»^۳ را فراهم نموده است.

۲. حقوق اقتصادی (Droit économique)

آشنایی با روند شکل‌گیری حقوق اقتصادی در گذر زمان و در بستر مکان به همراه شناخت نیازهای سرزمینی اقوام و ملت‌ها و ضرورت‌های اجتماعی تازه آنها، زمینه شناسایی بهتر این رشته کاربردی را فراهم می‌آورد.

۲.۱. تاریخچه حقوق اقتصادی

در قرن هجدهم میلادی، فیزیوکرات^۴ فرانسوی نیکلا بودو^۱ (۱۷۹۲-۱۷۳۰) مفهوم «قانون گذاری اقتصادی» را در کتابی به نام «پیشگفتار نخست در باب فلسفه اقتصادی» بکار گرفت.

1. Principe d'efficacité économique (Efficiency).

2. Droit économique.

3. Economie du droit.

۴. فیزیوکراسی یا فیزیوکراتیسم به معنی تسلط طبیعت است. دوران حیات این مکتب از سال ۱۷۵۸ و هم زمان با پیشرفت علوم و فنون مکانیک و گسترش افکار ناتورالیستی است. فیزیوکراتیسم اولین مکتب اقتصادی است که به بیان قواعد علمی اقتصاد پرداخت و بیشترین سهم را در شکل‌گیری اصول اولیه نظام اقتصادی سرمایه‌داری داشت. مبنای این مکتب بر پایه فلسفه دئیسم استوار بود. دئیسم یا «مکتب خداپرستی طبیعی» از ریشه لاتین دئوس، به معنای خدا است که در قرن ۱۷ و ۱۸ پدید آمد، با کلیسا مخالف و منکر وحی بود و عقل و ندای طبیعت را برای سعادت‌مند شدن انسان کافی می‌دانست. بر طبق نظر این فلسفه، خداوند منشأ هستی است و دنیا را خلق نموده و پس از خلقت هیچ چیز در جریان عالم دخالت نمی‌کند. خداوند نیز بعد از خلقت دخالتی در این دنیا نمی‌کند مانند ساعت‌سازی که ساعتی را می‌سازد اما بعد از آن ساعت خود کار می‌کند و نیازی به دخالت سازنده اش ندارد. همین‌طور جهان هستی نیز با قواعد طبیعی که خداوند در بدو خلق کردن در آن نهاده به حیات خود، بدون نیاز

یک قرن پس از آن، پ. ژ. پرودن^۲، کتابی با عنوان «ظرفیت سیاسی طبقه کارگر» منتشر ساخت. در این کتاب، برای اولین بار در فرانسه، اصطلاح «حقوق اقتصادی» مطرح شد.^۳ لیکن، این تقدم زمانی به این معنی نیست که فرانسوی‌ها، به کشف این شاخه جدید از علم حقوق در سال‌های یاد شده موفق شده‌اند. قطعاً از زمانی که قانون‌گذاری در فرانسه صورت گرفته، قواعد حقوقی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی وجود داشته لیکن، این قواعد در شاخه‌ای از حقوق با عنوان «حقوق اقتصادی» جمع‌آوری و مطرح نشده بودند.

حقوق اقتصادی برای نخستین بار، پس از جنگ جهانی اول، در کشور آلمان توسط حقوق دانان آلمانی مطرح شد. پیش از آن، هیچ کشوری رشته‌ای به نام «حقوق اقتصادی» را پایه‌ریزی نکرده بود. تاریخچه «حقوق اقتصادی» تا جنگ جهانی اول، در کتابی که در ۱۹۶۴ در آلمان به چاپ رسید، مورد مطالعه قرار گرفته است.^۴

پس از جنگ جهانی دوم، اقتصاد آلمان تحولات شگرفی را به خود دید. از یک سو، دولت این کشور با تدوین یک برنامه منسجم در اقتصاد مداخله کرد و از سوی دیگر، بخش خصوصی در سازماندهی اقتصاد به ایفای نقش پرداخت و در نتیجه مدیریت اقتصاد آلمان به دست هر دو بخش دولتی و خصوصی افتاد.

در چنین شرایط اقتصادی بود که ویلهلم هدمان و دیگر متفکرین آلمانی «حقوق اقتصادی» را بنیان نهادند.^۵ آنها با انجام تحقیقات بسیار زیاد و ارزشمند، مفهوم «حقوق اقتصادی» را تبیین

دخالت خدا ادامه می‌دهد. نگاه کنید به: نمازی، دکتر حسین؛ نظام‌های اقتصادی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۸۴ و ژوزف لاژووی؛ **مکتب‌های اقتصادی**، ترجمه جهانگیر افکاری، سازمان انتشارات و آموزش اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷.

1. N. Baudeau.

2. P. J. Proudhon.

۳. فرشاد یکتا، دکتر محسن؛ **مفهوم حقوق اقتصادی در ایران**، انتشارات مدرسه عالی بازرگانی، ۱۳۵۶، ص ۶.

4. Rudolf Piepenbrock, Der Gedanke eines Wirtschaftsrechts in der neuzeitlichen Literatur bis zum Ersten Weltkrieg (Schriftenreihe Annales Universitatis Saraviensis. Rechts- und wirtschaftswissenschaftliche Abteilung. Hft 7), Cologne 1964.

5. Justus Wilhelm Hedemann, Grunzüge des wirtschaftrrechts, J. Bensheimer, 1922.

نموده و روابط متقابل حقوق و اقتصاد را نشان دادند. حجم مطالعات حقوق دانان آلمانی در حدی بود که یک کتاب صرفاً به مطالعه تعاریف مختلف حقوق اقتصادی اختصاص یافت.^۱

از زمان تولد این رشته جدید در آلمان، دانشگاه‌های آلمانی به تدریس «حقوق اقتصادی» پرداخته و مؤسسات پژوهشی به مطالعه و تحقیق پیرامون آن همت گمارده‌اند. امروز در این کشور «حقوق اقتصادی» بسیار توسعه یافته است. تعریفی که بیشتر حقوق دانان آلمانی درباره آن اتفاق نظر دارند، حکایت از این دارد که «حقوق اقتصادی» مجموعه قواعد حقوقی مختلفی است که نسبت به فعالیت های اقتصادی به اجرا در می‌آیند.

دیری نپایید که «حقوق اقتصادی» از آلمان به دیگر کشورهای اروپایی نظیر: بلژیک، ایتالیا و فرانسه راه یافت. در سال ۱۹۳۴ میلادی، نخستین مقاله به زبان فرانسه درباره «حقوق اقتصادی» در فرانسه منتشر شد.^۲ به این ترتیب، جامعه حقوقی فرانسه از پیدایش این رشته جدید و تحقیقات جالب و ارزشمند علمای حقوق آلمان پیرامون آن مطلع شد. مقاله یادشده به خوبی نشان می‌دهد که تمام مباحث مهم «حقوق اقتصادی» که فرانسوی‌ها سی سال بعد مطرح ساختند، همگی در آلمان ارائه شده بود.^۳

متفکرین بزرگ حقوق فرانسه نظیر: دوگی،^۴ هوریو(هوریون)،^۵ سالی،^۶ ژوسران^۷ و ریپر^۸ برخی از ابعاد اقتصادی حقوق را از نظر گذرانده بودند. لیکن، در سال های دهه ۱۹۵۰ میلادی، حقوق دانان فرانسوی مطالعه حقوق اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده و کارهای پژوهشی قابل توجهی پیرامون آن انجام داده و منتشر نمودند. با وجود این، مقارن دهه ۱۹۶۰ میلادی بود که

1. H. Eichler, Wirtschaftsechts, Nürnberg, 1950.

2. F. de Kiraly: Le droit économique, branche indépendante de la science juridique, sa nature, son système, Etudes Geny, 1934.

۳. برنامه درسی جامع دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی؛ همان، ص ۹.

4. Duguit.

5. Haurion.

6. Saleilles.

7. Josserand.

8. Ripert.

«حقوق اقتصادی» در فرانسه ارزش واقعی خود را بدست آورده و راه تعالی در پیش گرفت و اذهان بسیاری از حقوق دانان برجسته شاخه‌های مختلف حقوقی را به گونه‌ای جدی به خود جلب نمود. به همین جهت، از آن زمان تاکنون، حقوق فرانسه شاهد انتشار تدریجی تألیفات ارزشمندی در زمینه «حقوق اقتصادی» می‌باشد.^۱

به نظر می‌رسد تدریس حقوق اقتصادی، نخستین بار، توسط متخصص صاحب نام این رشته، پروفیسور ژرار فرژا^۲ مقارن ۱۹۷۰ میلادی در فرانسه آغاز شد. در سال ۱۹۸۰ میلادی، هفده دوره کارشناسی ارشد حقوق تجارت و حقوق اقتصادی و دوره‌های کارشناسی ارشد دیگر در زمینه مباحث مختلف حقوق اقتصادی برای آموزش دانشجویان دایر بوده است.

1. Hamel, Vers un droit économique, *Economie contemporaine*, nov. – déc. 1951; Mazard, Aspects du droit économique français, *Rev. de science crim. Et de droit pén. Comp.*, 1957; M. Vasseur, *Le droit de la réforme des structures et des économies régionales*, Paris, L.G.D.J., 1959; R. Savatier, *La théorie des obligations, vision juridique et économique*, 3e éd., Dalloz, 1974; C. Champaud, *Contribution à la définition du droit économique*, Dalloz 1967; G. Farjat, *Droit économique*, Paris, puf, 1re éd. 1971, 2e éd., 1982; G. Farjad, *Droit privé de l'économie*, 2, *Théorie des obligations*, puf, 1975; A. Jacquemin et G. Schrans, *Le droit économique*, *Que sais-je?*, 1982; J.F. Renucci, *Droit pénal économique*, Masson, Armand Colin, Paris, 1995; J.F. Renucci, *Droit pénal économique*, Masson, Armand Colin, Paris, 1995; A.-S. Mescheriakoff, *Droit public économique*, 2e éd., puf, 1996; *Livre d'amitié à Michel Jeantin, Prospectives du droit économique*, 1999; L. Boy, *Droit économique*, Paris E.Hermès, "L'essentiel sur", 2002; J. – Y. Chérot, *Droit public économique*, *Economica*, 2002; G. Farjat, *Droit économique*, PUF, 1re éd., 2004; D. Carreau, P. Juillard, *Droit international économique*, 2e éd. Précis Dalloz, 2005; *Chron.*, p. 215; M. – A. Frison – Roche et S. Bonfils, *Les grandes questions du droit économique, Introduction et documents*, PUF, 2005; B. CRETTEZ, B. DEFFAINS & R. DELOCHE, "Optimal law complexity and the harmonization of legal rules", *European Journal of Law and Economics*, 2009, 27, 2, april, 129-142 par Paris Center for Law and Economics, *Articles et ouvrages*, 2009; B. CRETTEZ, B. DEFFAINS & R. DELOCHE., "On the Optimal Complexity of Law et Legal Rules Harmonization", *European Journal of Law and Economics*, vol 27, n°2, pp. 127-142 par Paris Center for Law and Economics, *Articles et ouvrages*, 2009; B. CRETTEZ, B. DEFFAINS, G. LEYTE & L. PFISTER, *On the Law and Economics of the origine of the French Civil Code*, to appear in *Do Law matter, Law and Economic Growth*, *Ius Commune Europaeum* 100, Michael Faure and Jan Smits eds. (*Articles in books*), Centre de Recherches en Economie et Droit, Paris Center for Law and Economics, *Articles et ouvrages*, 2010; B. DEFFAINS., « Economie du droit », De Boeck, Centre de Recherches en Economie et Droit, Paris Center for Law and Economics, *Articles et ouvrages*, 2010; B. DEFFAINS, N° spéciaux de la *Revue Economique*, de la *Revue d'Economie Politique* et de l' *International Review of Law and Economics*, Centre de Recherches en Economie et Droit, Paris Center for Law and Economics, *Articles et ouvrages*, 2010; *Le Lamy Droit Économique*, 2014, *Revue internationale de droit économique* 2002 – 2015,.

2. Gerard Farjat.

امروزه، حقوق اقتصادی به عنوان رشته‌ای جدید از دانش حقوق در فرانسه کاملاً شناسایی شده- است. در حال حاضر، این رشته کاربردی در دانشگاه‌های پاریس (پاریس ۱ و ۲) و شهرستان‌ها (مانند دانشگاه نیس، تور، UFC^۱ و ...) در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس می‌شود. دانشجویان رشته‌های یاد شده با تاریخچه، فلسفه، جامعه‌شناسی، شاخه‌های مختلف، تعریف، مفهوم، فعالین، خصوصیات، روش‌ها و مباحث مهم «حقوق اقتصادی» آشنا می‌شوند. اهمیت و شکل‌گیری «حقوق اقتصادی» در فرانسه باعث شد که «فصلنامه حقوق تجارت» به «فصلنامه حقوق تجارت و حقوق اقتصادی»^۲ و شعبه «تجارت دیوان عالی کشور» به شعبه «تجارت، مالی و اقتصادی»^۳ تغییر نام دهند. پس از شناسایی رشته «حقوق اقتصادی» به عنوان یک تخصص جدید، آشنایی با این دانش حقوقی برای وکلای دادگستری به تخصص‌های چهارده‌گانه پیشین افزوده شد.^۴ آموزش «حقوق اقتصادی» در فرانسه به حدی اهمیت یافته که در سمیناری لزوم فراگیری آن برای قضات، وکلای دادگستری، حقوق‌دانان بنگاه‌های اقتصادی بخش‌های خصوصی و عمومی، کارکنان عالی‌رتبه وزارت اقتصاد، سردفتران اسناد رسمی، دانشجویان مدارس ملی تربیت قضات و علوم اداری ... توصیه شد.^۵

رشته «حقوق اقتصادی» از اروپا به دانشگاه‌های کشورهای دیگر مانند: آرژانتین، برزیل، مکزیک و ... نیز راه یافت و توسعه پیدا نمود. در برخی دیگر از کشورها همچون آمریکا، بریتانیا، کانادا، هلند ... مفهوم «حقوق اقتصادی» تبیین نشده و رشته‌ای به نام «حقوق اقتصادی» بوجود نیامده است. در این کشورها، قواعد حقوقی مربوط به فعالیت‌های اقتصادی در کنار راه‌حل‌های سنتی و در رشته‌های مربوطه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. با وجود این، هرگز نمی‌توان گفت: در کشورهایی که رشته «حقوق اقتصادی» به عنوان یک رشته مستقل شناسایی نشده، مباحث

1. Université de Franche-Comté.

2. Rev. trim de dr. com. et de dr. Economique.

3. Chamber commerciale financière et économique de la Cour de Cassation.

۴. (آیین‌نامه ۸ ژوئن ۱۹۹۳).

5. La formation des juristes au droit économique, Actes de la 8me journée nationale du droit, L.G.D.J., 1999.

مختلف مطروحه در «حقوق اقتصادی» تدریس نمی‌شوند. برای مثال، در آمریکا بیش از یک قرن است، «حقوق رقابت» که مرکز و قلب «حقوق اقتصادی» را تشکیل می‌دهد، تدوین شده و آموزش داده می‌شود. در این خصوص، کلایو ام. اشمیتوف، حقوق دان بزرگ انگلیسی می‌گوید: ضرورت تعریف حقوق اقتصادی از لحاظ آکادمیک در بریتانیا احساس نشده است. ولی وی معتقد است: اگر قرار باشد یک حقوق دان انگلیسی «حقوق اقتصادی» را تعریف کند، او بدون شک خواهد گفت که «حقوق اقتصادی مجموعه قواعدی است که به دخالت دولت در زمینه تجارت، صنعت و امور مالی سر و سامان می‌دهد»^۱.

بنابراین، مباحث «حقوق اقتصادی» در کشورهای مختلف، خواه در قالب رشته‌ای مستقل به نام «حقوق اقتصادی» یا به طور متفرقه و در دروس مختلف نظیر: حقوق کیفری، حقوق بین الملل، حقوق عمومی و حقوق خصوصی مورد مطالعه قرار گرفته و تدریس می‌شوند.

۲.۲. جایگاه حقوق اقتصادی

در حقوق اقتصادی فرانسه همانند حقوق اقتصادی آلمان، نگاه یکسانی به مفهوم «حقوق اقتصادی» وجود ندارد. لذا، حقوق دانان فرانسوی نیز تعاریف متنوعی از این رشته حقوقی را در نوشته‌های خود ارائه داده‌اند. اما قبل از هر چیز آشنایی با اختلافات علمای حقوق در زمینه وجود «حقوق اقتصادی» ضروری به نظر می‌رسد. اختلافات یاد شده ریشه در وجود و یا عدم وجود عنوان خاص رشته حقوق اقتصادی دارد.

مخالفین وجود این رشته حقوقی معتقدند، مجموعه قواعد اقتصادی حقوق در حدی نیست که یک رشته حقوقی مستقل را تشکیل دهد. این قواعد، در رشته‌های سنتی حقوق زیاد نیست و جایگاه محدودی را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل اندیشه یاد شده، طرفداران وجود رشته حقوق اقتصادی بر این باورند که دسته‌بندی سنتی و کلاسیک حقوق، قادر نیست نیازهای امروز جامعه بشری را برآورده نماید.

1. Alexis Jacquemin et Guy Schrans, Le droit économique, Que sais-je ? puf, 3e éd., 1982, p.72

از سوی دیگر، طرفداران وجود رشته حقوق اقتصادی، در مقابل این سؤال قرار دارند: «حقوق اقتصادی» در میان دسته‌بندی‌های سنتی رشته‌های حقوقی در چه جایگاهی قرار گرفته است؟ آیا حقوق اقتصادی جزئی از حقوق عمومی است و یا زیر مجموعه حقوق خصوصی است؟ به این پرسش دو پاسخ داده شده است:

۲.۲.۱. پاسخ بیشینه‌گرا (حداکثری)^۱

طرفداران وجود رشته حقوق اقتصادی^۲ معتقدند، دسته‌بندی‌های سنتی حقوق، همچون حقوق خصوصی و حقوق عمومی برای پاسخگویی به نیازهای امروزی جامعه کافی نمی‌باشند. بر اساس این ضرورت و به منظور پاسخگویی به نیازهای جدید اجتماعی و نظم نوین اقتصادی، رشته «حقوق اقتصادی»، توسط طرفداران این رشته کاربردی مطرح شده است.^۳

۲.۲.۲. پاسخ کمینه‌گرا (حداقلی)^۴

حقوق دانانی که با نگاه کمینه‌گرا و حداقلی به پرسش یاد شده (در خصوص جایگاه حقوق اقتصادی در میان دسته‌بندی‌های سنتی رشته‌های حقوقی) پاسخ داده‌اند معتقدند، شناسایی رشته کاربردی حقوق اقتصادی موجب حذف دسته‌بندی‌های سنتی رشته حقوق همچون حقوق خصوصی و حقوق عمومی نخواهد شد. بلکه، در وضعیت جدید، شناسایی رشته‌های حقوق عمومی اقتصادی و حقوق خصوصی اقتصادی کارگشا خواهند بود.

در این نگاه، حقوق عمومی اقتصادی، مجموعه قواعد قابل اعمال در روابط اشخاص به عنوان واحدهای اقتصادی با مداخله حاکمیت در این روابط است. در مقابل، حقوق خصوصی اقتصادی، مجموعه قواعد قابل اعمال در روابط اشخاص به عنوان واحدهای اقتصادی، بدون مداخله مستقیم حاکمیت است.^۵ با چنین قرائتی از «حقوق اقتصادی»، قواعد حقوقی مربوط به روابط

1. Maximaliste.

2. G. Farjat, Droit économique, Paris, 2e éd., puf, 1982.; Alexis Jacquemin et Guy Schrans, Le droit économique, Que sais-je? PUF, 3e éd., 1982,.

3. A.-S. Mescheriakoff, Droit public économique, 2e éd., puf, 1996, p11.

4. Minimaliste.

5. A.-S. Mescheriakoff, Droit public économique, op.cit., loc. cit.

اقتصادی خصوصی، در حوزه حقوق خصوصی اقتصادی قرار می‌گیرد و آنجا که جنس قواعد حقوقی، امری می‌شود، حوزه حقوق عمومی اقتصادی خواهد بود.

۲.۳. تعاریف حقوق دانان فرانسوی از «حقوق اقتصادی»

شناسایی جایگاه حقوق اقتصادی، زمینه‌آشنایی با تعاریف حقوق دانان فرانسوی از حقوق اقتصادی را فراهم‌ساخته است. خلاصه تعاریف حقوق دانان فرانسوی از حقوق اقتصادی به شرح زیر است:

۲.۳.۱.

«حقوق اقتصادی» از مجموعه قواعدی تشکیل یافته که به دولت اجازه می‌دهد مستقیماً در اقتصاد دخالت نماید. در این مفهوم، «حقوق اقتصادی» به «حقوق عمومی» مرتبط می‌شود و پدیده‌های تولید، توزیع و مصرف محصولات و خدمات را ضابطه‌مند می‌سازد.

۲.۳.۲.

«حقوق اقتصادی» یک نوع «حقوق تجارت»^۱ توسعه یافته است که باید به آن «حقوق مالیاتی» و «حقوق حسابداری» افزوده شود. در واقع این تعریف، مشابه «حقوق امور تجاری»^۲ است و به سختی از آن قابل تشخیص است. در این مفهوم، «حقوق اقتصادی» با «حقوق خصوصی» ارتباط می‌یابد.

۲.۳.۳.

«حقوق اقتصادی» مجموعه قواعدی است که به بنگاه‌ها^۳، ساختار و عملکرد داخلی آنها، روابط بین بنگاه‌ها با یکدیگر و با دولت مربوط می‌شود.

1. Droit commercial.

2. Droit des affaires.

3. Entreprises.

۲.۳.۴.

«حقوق اقتصادی» عبارت از حقوق سازماندهی و توسعه اقتصاد توسط بخش خصوصی یا دولتی و یا هر دو بخش خصوصی و دولتی است.

۲.۳.۵.

«حقوق اقتصادی» مجموعه قواعدی است که موضوع آن فعالیت اقتصادی در مفهوم وسیع آن می‌باشد. در این نگاه قواعد مربوط به فعالیت عاملین اقتصادی، سازماندهی بازارهای محصولات و خدمات، بازارهای مالی، توزیع ثروت و مجازات رفتارهای اقتصادی زیان آور مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد.

۲.۳.۶.

و بالاخره «حقوق اقتصادی» از مجموعه قواعد و عرف‌های حقوقی، ساختارها، تشریفات، نهادها و روش‌هایی تشکیل یافته که پاسخگوی افزایش قابل ملاحظه نفوذ سیستم اقتصادی در جوامع امروزی است. تمامی شاخه‌های شناخته شده نظام حقوقی باید در درون خود جایی برای اقتصاد در نظر گیرند. نه تنها شاخه «حقوق تجارت» که با «اقتصاد» ارتباطی تنگاتنگ دارد، مأمور به این تکلیف است بلکه، شاخه‌هایی مانند: «حقوق اساسی» و حتی مقررات حاکم بر «ارث» که به نظر می‌رسد با اقتصاد فاصله بسیاری زیادی دارند، نیز موظف به پیروی از این امر می‌باشند^۱.

۲.۴. حقوق اقتصادی و نیازهای روز

امروز دیگر رشته‌های سنتی حقوقی نمی‌توانند به تنهایی در برقراری نظم اجتماعی و ایجاد تعادل در روابط و به ویژه از نوع اقتصادی آن موفق گردند. حقوق عمومی به واسطه محدود نمودن آزادی اقتصادی ایجاد خطر می‌نماید. حقوق خصوصی نیز قادر نخواهد بود در تمام حوزه‌های فعالیت اقتصادی ایجاد نظم نماید. بر این اساس، اندیشه طرح رشته‌های کاربردی و میان رشته‌ای پا به میدان نهاده است. باین نگاه، نظم و سازمان جدید اجتماعی توسط رشته‌های کاربردی پایه‌ریزی می‌شود.

۱. برنامه درسی جامع دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی؛ همان، ص ۱۴.

در واقع، سال‌ها تنها ملاک دسته‌بندی رشته‌های حقوقی، طبیعت قواعد راجع به آن بود؛ برای مثال می‌توان به رشته‌های حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق جزا، قواعد راجع به آیین دادرسی و حقوق اداری اشاره نمود. در مقابل این تقسیم‌بندی سنتی، امروزه با توجه به کاربرد قواعد حقوقی، تقسیم‌بندی دیگری مطرح شده است. بدون شک حقوق کار از اولین مثال‌های این دسته‌بندی جدید به شمار می‌رود. حقوق رقابت، حقوق توزیع، حقوق محیط زیست و حقوق مصرف نیز جزء همین دسته‌بندی کاربردی به حساب می‌آیند. این دسته‌بندی به موازات دسته‌بندی سنتی نبوده بلکه به نوعی عمود بر آن می‌باشد. به بیانی دیگر، هر رشته از رشته‌های دسته‌بندی جدید بر رشته‌های گوناگونی از دسته‌بندی سنتی منطبق می‌گردد.^۱

حقوق اقتصادی یکی از این رشته‌های کاربردی و میان رشته‌ای است. حقوق تجارت، حقوق مدنی، حقوق کار، حقوق اداری، حقوق مالیه و حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق جزایی امور بازرگانی در محدوده این حقوق، به کار گرفته می‌شوند. حقوق اقتصادی، قواعد موجود در حوزه‌های گوناگون حقوقی را در جهت ایجاد نظم اقتصادی به کار می‌گیرد.^۲ نظام حقوقی به کمک حقوق اقتصادی پدیده‌های جدید اقتصادی را درک کرده و ضمن نظم بخشیدن به روابط در این زمینه، سعی بر ایجاد تعادل در روابط اقتصادی دارد. با این نگاه، حقوق اقتصادی، عامل ایجاد نظم و تعادل در امور حقوقی و سیاست اقتصادی خواهد بود.

حقوق اقتصادی، بر مبنای نیازهای جدید و با توجه به کاربرد قواعد حقوقی شکل گرفته است. در این رشته جدید حقوقی، با دسته‌بندی قواعد حقوقی موجود و بر مبنای کاربرد آنها و همچنین با ایجاد قواعد حقوقی جدید، سعی بر ایجاد نظم و تعادل در روابط اشخاص حقیقی و حقوقی در اجتماع می‌شود. با این نگاه، حقوق اقتصادی، قواعدی حقوقی با ماهیت عمومی، خصوصی و حتی کیفری را در عرصه اجتماع (اعم از ملی و بین‌المللی) و حوزه‌های اقتصاد خرد و کلان وضع می‌نماید. حقوق اقتصادی در مفهوم مضیق آن، مجموعه مقررات حقوقی است که به وسیله آن حاکمیت مستقیماً در اقتصاد کشور دخالت می‌کند. در این نگاه حقوق اقتصادی به حقوق عمومی نزدیک

۱. کله اولوآ، پروفیسور ژان؛ معرفی حقوق مصرف با مقدمه‌ای از مترجم، ترجمه دکتر عباس قاسمی حامد، مجله حقوقی، دفتر خدمات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۳، ۱۳۷۷، ص ۲۴۷.

۲. فرشاد یکتا، دکتر محسن؛ همان، ص ۱۰.

می‌شود.^۱ این رشته حقوقی در نگاه اخیر، حقوقی آمرانه و مداخله‌جو است و تنظیم‌کننده تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات است.^۲

در مفهوم موسع، حقوق اقتصادی اداره‌کننده زندگی اقتصادی و به خصوص تولید و گردش ثروت است.^۳ در این نگاه، حقوق اقتصادی یک نوع «حقوق تجارت»^۴ توسعه یافته است که به کمک حاکمیت و به همراه ابتکارات بخش خصوصی موجب سازمان‌بخشیدن جامعه و توسعه اقتصادی خواهد شد.

به نظر می‌رسد، حقوق اقتصادی با تمایل به وضع قواعد آمرانه، با نظم عمومی ارتباطی نزدیک داشته و قواعد آن در بسیاری از موارد دارای اوصاف قواعد حوزه حقوق عمومی است. با وجود این، نمی‌توان تأثیر ابتکارات بخش خصوصی را در توسعه اقتصادی و سازمان‌بخشیدن به جامعه نادیده گرفت. با این نگاه حقوق اقتصادی از حقوق خصوصی نیز تأثیر می‌پذیرد.

۳. اقتصاد حقوق (Economie du droit)

عنوان فرانسوی «اقتصاد حقوق»^۵ که با عناوین «تحلیل اقتصادی حقوق»^۶ و «حقوق و اقتصاد»^۷ قرابت دارد، حکایت از نوع دیگری از ارتباط «حقوق» و «اقتصاد» دارد. این پیوند جدید حقوق و اقتصاد توسط اقتصاددانان آمریکایی در پایان قرن نوزدهم میلادی در آمریکا شکل گرفته است. در سال‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی و به ویژه ۱۹۷۰ میلادی این گرایش در شیکاگو بسیار مورد توجه قرار گرفت، حیاتی دوباره پیدا کرد و از جایگاهی ممتاز برخوردار گردید. در

1. Alexis Jacquemin et Guy Schrans, Le droit économique, Que sais-je ? puf, 3e éd., 1982, p 53.

۲. فرشاد یکتا، دکتر محسن؛ همان، ص ۸.

۳. ک. شامپو؛ "تعریفی بر حقوق اقتصادی"، دالوز، ۱۹۶۷، ص ۲۱۵ به بعد، به نقل از فرشاد یکتا، دکتر محسن؛ همان، ص ۹.

4. Droit commercial.

5. Economie du droit.

6. Economic Analysis of Law.

7. Law and Economics.

شکل‌گیری وضعیت کنونی ناشی از پیوند جدید حقوق و اقتصاد، اقتصاددانان برجسته^۱ و حقوق دانان صاحب نام آمریکایی^۲ سهیم بوده‌اند. سال‌ها است که اقتصاددانان و حقوق دانان در کنار یکدیگر در دانشگاه‌های بزرگی نظیر هاروارد، شیکاگو، ییل، «اقتصاد حقوق» را تدریس نموده و تحقیقات وسیعی پیرامون آن انجام داده‌اند.^۳

در پایان سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی، «اقتصاد حقوق» به سایر کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لو همچون انگلستان رسید و در دهه بعد به کشورهای دیگر اروپایی نظیر: هلند، آلمان، ایتالیا، بلژیک وارد شد و در مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی این کشورها مورد تدریس و مطالعه قرار گرفت. وجود انجمن اروپایی حقوق و اقتصاد و حمایت متخصصین اروپایی^۴ از «تحلیل اقتصادی حقوق»، حکایت از توسعه غیرقابل انکار این رشته در اروپای قاره‌ای دارد.

-
1. Gray Backer, Ronald Coase, Richard Posner ...
 2. Guido Calabresi, Frank Michelman ...
 3. R. A. Posner, *The Economic Approach to Law*, 1975, in S.G. Medema (ed.), *The Legacy of Ronald Coase to Economic Analysis*, vol. 2, Edward Elgar, 1995, p. 317-342; R.A. Posner, *Economic Analysis of Law*, Little, Brown, 3rd ed., Boston, 1986; W.M. Landes and R.A. Posner, *The Economic Structure of Tort Law*, Harvard University Press, 1987; H. Hovenkamp, "Law and Economics in the United States, a brief Historical Survey, *Cambridge Journal of Economics*, 19, 1995, p. 331-352; N. Mercuro & S. Medema, *Economics and The Law: From Posner to Post-Modernism*, Princeton University Press, Princeton, New Jersey, 1997; R. Cooter & Thomas Ulen, *Law & Economics*, 3rd ed., ADDISON, WESLEY, 2000; R.A. Posner, *Economic Analysis of Law*, 6th ed., Aspen Publishers, New York, 2003; David D. Friedman, *Law and Economics*, Library Economics Liberty, 2002; D.A. Wittman, *Economic Analysis of Law, Selected Readings*, Blackwell, Publishing, 2003; Steven Shavell, *Foundations of Economic Analysis of Law*, The Belknap Press of Harvard University Press, 2004; Paul H. Rubin, *Law and Economics*, Library Economics Liberty, 2008; Robert Cooter, Thomas Ulen, *Introduction to Law and Economics*, Economics (6th ed) , 2011; Robert Cooter, Thomas Ulen, *Law and Economics*, Economics (6th ed), 2011; Cole, H. Daniel & Z. Peter Grossman, *Principles of Law and Economics*, Jerome Hall Law library, 2011; R. A. Posner, *Economic Analysis of Law*, Jerome Hall Law library, (8th ed), 2011; Robert Cooter, *Law and Economics*, alibris, 2011; *Research in Law and Economics*, Volume 19(2002 - Research in Law and Economics) ... Volume 26(2014 - The Law and Economics of Class actions), Series editor(s): Professor James Langenfeld, Emerald, 2002 - 2014
 4. H. B. Schäfer, Mattie, Pardolesi, Van den Berg ...

حدوداً از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، نظر حقوق دانان^۱ و اقتصاددانان فرانسوی^۲ به این رشته جلب شد و ضرورت، اصالت و سودمندی آن برای نظام حقوقی فرانسه مورد تأکید قرار گرفت. به همین جهت، مرکز تحقیقات و اسناد دانشگاه نانسی (۲) در ۲۸ و ۲۹ ژوئن سال ۲۰۰۰ میلادی سمیناری بین المللی پیرامون «اقتصاد حقوق در کشورهای تابع حقوق نوشته» برگزار نمود. در این سمینار، مطالب بسیار ارزشمندی توسط اقتصاددانان و حقوق دانان فرانسوی و غیرفرانسوی درباره موضوعات مهمی همچون مسئولیت مدنی، قراردادهای اموال، رقابت، بنگاه، قضا، حقوق کیفری، بانک، مصرف، رویه قضایی، ورشکستگی و... ارائه شد.^۳

امروز «اقتصاد حقوق» به محیط‌های دانشگاهی فرانسه راه یافته است. برای نمونه، در دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه نانسی، «اقتصاد حقوق» با همان محتوا و قلمرویی که متخصصین تحلیل اقتصادی آمریکا برای آن قائل شده‌اند، آموزش داده می‌شود.

نفوذ «اقتصاد حقوق» از کشورهای انگلوساکسون (که سنتی دیرینه و زنده در تعلیم، تحقیق و ایجاد رویه‌های عملی پیرامون وابستگی حقوق و اقتصاد دارند)، به کشورهای حقوق نوشته (که کمتر به این وابستگی در سطوح مختلف تئوری و رویه‌های عملی حقوق پرداخته‌اند)، بیانگر اهمیت «اقتصاد حقوق» و نشان دهنده این واقعیت است که «اقتصاد حقوق» از نظر اقتصاددانان و حقوق دانان نظام رومی - ژرمنی می‌تواند به نحو چشمگیری موجب پیشرفت و اعتلای حقوق از لحاظ اقتصادی شود.

«اقتصاد حقوق» اجازه می‌دهد بررسی، تفسیر، انتخاب و تدوین قواعد حقوقی و صدور و بررسی رویه‌های قضایی و در نهایت اجرای آنها با توجه به روش‌ها، مفاهیم، اصول، ضروریات و توجیحات اقتصادی صورت پذیرد. انجام این اقدامات در زمینه‌های مختلف حقوقی همچون: حقوق قراردادهای، مسئولیت مدنی، اموال، حل و فصل اختلافات کیفری، مالکیت فکری، خانواده، اساسی، مالی، بانکی، اداری ... صورت می‌گیرد.

1. J. Ghestin, F. Terré, P.-Y. Gautier, Goubeaux, M. Fabre – Magnan, B. Oppetit, Jestaz, Chaput, L. Cadiët, ...

2. T. Kirat, B. Deffains ...

3. B. Deffains, L'analyse économique du droit dans les pays de droit civil, Editions Cujas, 2002.

در واقع، «اقتصاد حقوق» عبارت از: مطالعه اقتصادی حقوق، تحلیل اقتصادی آن و ارزیابی اقتصادی حقوق بر پایه اصل کارایی و مطلوبیت اقتصادی است.^۱ به کمک «اقتصاد حقوق» می‌توان مؤثرترین قواعد حقوقی را از نقطه نظر اقتصادی گزینش نمود و به ارزشیابی قواعد حقوقی موجود در سایر قلمروهای حقوقی پرداخت.

منظور از تحلیل اقتصادی حقوق «در واقع تحلیل و بررسی موضوعات حقوقی با کمک ابزارها، تئوری‌ها و تکنیک‌های اقتصادی است. در اینجا بحث می‌شود که مثلاً آیا وضع جریمه برای یک جرم باعث کاهش جرم مربوط خواهد شد یا خیر و یا به عبارت اقتصادی آیا عنصر جریمه کارایی دارد یا ندارد. یا میزان جریمه بهینه چقدر است. آیا هر مقدار جریمه بیشتر شود جرم کمتر می‌شود و یا یک محدوده معینی دارد؟ برای آشنایی بیشتر با این سنتز جدید، به مثال‌های بیشتری اشاره می‌کنیم. تحلیل آثار اقتصادی مجازات، بررسی نقش مجازات بر مبادله کالای قاچاق، تحلیل عوامل اقتصادی اختلاس و ارتشا، بررسی عوامل اقتصادی صدور چک بی‌محل و جعل اسناد، تحلیل آثار اقتصادی جعل اسناد، تأثیر نوسانات اقتصادی بر میزان صدور چک بی‌محل، تأثیر امنیت قضایی و یا وجود ریسک بر پیشرفت اقتصادی، بررسی پیوند بیکاری و سرقت، ارزیابی تأثیر سرقت بر متغیرهای اقتصادی، تحلیل اقتصاد رسمی و اقتصاد غیررسمی...»^۲.

به این ترتیب، «اقتصاد حقوق» از موقعیتی شبیه فلسفه حقوق، تاریخ حقوق، جامعه‌شناسی حقوق و روان‌شناسی حقوق در علم حقوق برخوردار است. به سخن دیگر، به همان ترتیبی که این رشته‌ها از شاخه‌های رشته فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی می‌باشند، «اقتصاد حقوق» همانند: اقتصاد آموزش و پرورش و اقتصاد صنعتی یکی از شاخه‌های علم اقتصاد به شمار می‌آید.^۳

۴. ارتباط «حقوق اقتصادی» و «اقتصاد حقوق»

به منظور پاسخگویی به نیازهای جدید اجتماعی، «حقوق اقتصادی» و «اقتصاد حقوق» به موازات یکدیگر در دو نقطه دنیا (آلمان و آمریکا) شکل گرفته و از دو نظام فکری متفاوت (رومی

1. Efficiency.

۲. دادگر، دکتر یداله؛ مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد؛ همان، ۱۳۸۹، ص ۱۴.

۳. برنامه درسی جامع دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی؛ همان، ص ۱۹.

- ژرمنی و کامن لو) الهام گرفته‌اند. برخلاف «اقتصاد حقوق» که یکی از شاخه‌های علم اقتصاد به شمار می‌آید، «حقوق اقتصادی» را باید یک رشته کاملاً حقوقی دانست، که به تفسیر، بررسی و نهایتاً وضع قواعد حقوقی مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازد. این قواعد در رشته‌های حقوقی رقابت، مصرف، توزیع ... مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این بررسی، «حقوق اقتصادی» با ملاحظه داده‌های اقتصادی از اصول و موازین حقوقی جهت وضع قواعد برقراری نظم، عدالت و تعادل نسبی بهره می‌جوید.^۱ به عبارت دیگر، «حقوق اقتصادی» نگاهی حقوقی به جنبه‌های اقتصادی روابط اجتماعی دارد.

امروزه باید پذیرفت که «حقوق اقتصادی» و «اقتصاد حقوق» نمی‌توانند همچنان راه خود را جدای از یکدیگر ادامه دهند. تعامل و داد و ستد این دو شیوه ارتباط «حقوق» و «اقتصاد»، موجب اثر بخشی بیشتر قواعدی است که به منظور برقراری نظم، عدالت و تعادل نسبی در حوزه تولید، توزیع، مبادلات و مصرف در عرصه اجتماع وضع می‌گردند.

پروفسور ژرار فرژا^۲ استاد، مؤلف و اولین مدرس «حقوق اقتصادی» در فرانسه معتقد است: آنچه در تعریف و تبیین «اقتصاد حقوق» بیان شده، چیزی جز یکی از تعاریف «حقوق اقتصادی» نیست. به سخن دیگر، تحلیل اقتصادی حقوق، یکی از مباحث «حقوق اقتصادی» است و باید در کنار سایر مباحث این رشته، ولی قطعاً به عنوان یک بخش اساسی و کلیدی مورد مطالعه قرار گیرد. نتیجه اینکه «اقتصاد حقوق» باید در «حقوق اقتصادی» ادغام گردد و حقوق دانان باید در مطالعه و بررسی حقوق اقتصادی به آنالیزهای اقتصاددانان توجه نمایند.^۳

حقوق برای ایجاد نظم اجتماعی و ایجاد تعادل در روابط به ویژه روابط اقتصادی، ناچار است علاوه بر بکارگیری علم اقتصاد، از سایر علوم همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، آمار، حسابداری، ریاضیات، برنامه‌ریزی و ... نیز بهره‌گیری نماید.

1. T. Kirat, *Economie du droit*, Repères, La Decouverte, Paris, 1999.

2. Gérard Farjat.

3. G. Farjat, *Pour un droit économique*, lère éd., puf, Les voies du droit, 2004, p 40.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. تاجداری، دکتر علی؛ **اقتصاد و مالیه عمومی**، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر؛ **مقدمه عمومی علم حقوق**، کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
۳. خداداد کاشی، فرهاد؛ **اقتصاد خرد**، انتشارات طلایی پویندگان دانشگاه، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵.
۴. دادگر، دکتر یداله و رحمانی، دکتر تیمور؛ **مبانی و اصول علم اقتصاد، کلیاتی از اقتصاد برای همه**، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ هفتم، قم، ۱۳۸۶.
۵. دادگر، دکتر یداله؛ **مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد**، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۶. دادگر، دکتر یداله؛ **اصول تحلیل اقتصادی خرد و کلان**، نشر آماره، تهران، ۱۳۹۱.
۷. شریعتی نجف‌آبادی، احسان؛ **اقتصاد کلان**، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، <http://www.pajoohe.com>، ۱۳۹۴/۶/۱۴.
۸. فرشاد یکتا، دکتر محسن؛ **مفهوم حقوق اقتصادی در ایران**، انتشارات مدرسه عالی بازرگانی، ۱۳۵۶.
۹. **برنامه درسی جامع دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.
۱۰. قدیری اصل، دکتر باقر؛ **کلیات علم اقتصاد**، مرکز نشر سپهر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۳.
۱۱. کاتوزیان، دکتر ناصر؛ **مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران**، انتشارات اقبال، چاپ پنجم، ۱۳۶۲.

۱۲. کله اولوآ، پروفیسور ژان؛ **معرفی حقوق مصرف با مقدمه‌ای از مترجم**، ترجمه دک‌تر عباس قاسمی حامد، مجله حقوقی، دفتر خدمات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۳.
۱۳. کوتر، رابرت و یولن، تامس؛ **حقوق و اقتصاد**، ترجمه دک‌تر یداله دادگر و حامده اخوان هزاوه، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۴. لاژوژی، ژوزف؛ **مکتب‌های اقتصادی**، ترجمه جهانگیر افکاری، سازمان انتشارات و آموزش اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۱۵. نمازی، دک‌تر حسین؛ **نظام‌های اقتصادی**، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۸۴.

(ب) لاتین

16. Deffains, B., L'analyse économique du droit dans les pays de droit civil, Editions Cujas, 2002
17. de Kiraly, F., Le droit économique, branche indépendante de la science juridique, sa nature, son systeme, Etudes Geny, 1934.
18. Farjat, G., Droit économique, Paris, 2e éd., puf, 1982.; Alexis Jacquemin et Guy Schrans, Le droit économique, Que sais-je ? puf, 3e éd., 1982.
19. Farjat, G. Pour un droit économique, 1ère éd., puf, Les voies du droit, 2004
20. Jacquemin, Alexis et Schrans, Guy, Le droit économique, Que sais-je ? puf, 3e éd., 1982.
21. Kirat, T., Economie du droit, Repères, La Decouverte, Paris, 1999.
22. Mescheriakoff, A.-S., Droit public économique, 2e éd., puf, 1996.
23. <http://www.economicaffairs.ir/p=1201>, 9/9/2015.

